

گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز - تیلی

هادی تاجیک^۱

عبدالرضا عالیشاهی^۲

سید علی مجیدی نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۶/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال هفتم / شماره بیست و سوم - تابستان ۱۳۹۳

چکیده

منطقه غرب آسیا، از دیرباز کانون بحران‌های امنیتی، سیاسی و ایدئولوژیک و همواره آبستن تحولاتی گسترده و ژرف بوده است. ظهور، رشد و گسترش حرکت‌های خشونت‌زا و گروه‌های تروریستی نمونه‌ای از این تحولات است. از یک سو، حراست از اسلام و از سوی دیگر تقابل با هجمه نظام اومانیستی غرب، همواره دستاویز گروهک‌های تروریستی بوده است. شکل جدیدی از فعالیت‌های سلفی‌گری فرانونین در خاورمیانه تلقی می‌شود. نخستین مستمسک این گروه در اقدامات تروریستی را شاید بتوان سقوط دولتی‌هایی مانند سوریه و عراق دانست که به نحوی به زعم آنان، هم‌پیمان نظام کفر تلقی می‌شوند. البته باید افزود بسیاری از پژوهشگران تأسیس این گروهک سلفی-تکفیری را فراسوی مسائل عقیدتی-ایدئولوژیکی می‌دانند. اما چگونه می‌توان در قالبی تئوریک به بررسی این جریان‌های افراطی پرداخت؟ نویسندگان مقاله شکل‌گیری داعش را با استفاده از تئوری‌های تلفیقی بسیج منابع چارلز تیلی و نظریه بحران توماس اسپرینگز تبیین کرده‌اند؛ به سخن دیگر، شکل‌گیری هر بحرانی را می‌توان به دلایل متعددی نسبت داد. نوشتار پیش رو نیز شکل‌گیری و بسط بحران فزاینده گروهک تروریستی-تکفیری داعش را با استفاده از بسیج منابع چارلز تیلی تشریح و با بهره‌گیری از تئوری بحران اسپرینگز تفسیر و تحلیل کرده است. بدین منظور از منابع مکتوب و مجازی نیز استفاده شده است.

واژگان کلیدی

داعش، بحران، بسیج منابع، خاورمیانه، تروریسم

۱. دکتری روابط بین‌الملل، استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)
۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
۳. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان



مقدمه

ظهور گروهک‌های سلفی- تروریستی در قرن بیست و یکم در خاورمیانه گسترشی چشم‌گیر داشته است. در شناخت‌شناسی این موضوع می‌توان فرضیات مختلفی را مدلول نوشتار کنونی قرار داد که احیای سنت باشکوه مسلمین، مبارزه با استعمار غرب و قوام جامعه مسلمانان بر اساس توانایی‌های داخلی نمونه‌هایی از آن است. در این میان ظهور برخی گروهک‌های تروریستی و فعالیت‌های آنان روندی دیگر را نشان می‌دهد. با اندکی بصیرت می‌توان دریافت فعالیت‌های چنین گروهک‌هایی نه تنها در راستای احیای سنت صالح اسلام و مبارزه با نظام کفر نیست که در راستای منافع استعمار غرب در منطقه گام برمی‌دارند.

داعش^۱ را می‌توان آخرین نمونه از گروهک‌های سلفی- تروریستی دانست که دقیقاً بر اساس نقشه‌ها و ساختار سیاسی ایالات متحده، رژیم اشغالگر قدس، عربستان سعودی و نیروهای بعثی بازمانده از رژیم بعث عراق در دوران زعامت صدام حسین، در منطقه گام بر می‌دارند. بنابراین نوشتار پیش رو درباره این مبحث است که مؤلفه‌ها و رویکردهای شکل‌گیری داعش مبتنی بر چه اصولی هستند؟ به سخن دیگر، داعش فرزند نامشروع کدام سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بوده است؟

به زعم نویسندگان، نخستین مؤلفه شکل‌گیری داعش را می‌توان برجستگی روزافزون قدرت مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا دانست. قوام روزافزون حزب‌الله لبنان، سوریه، حزب‌الله و عراق، ناآرامی‌های منتسب به قیام مردم بحرین و در نهایت بحران حوثی‌های یمن نویددهنده قدرت گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه است. به همین علت با اندکی دقت می‌توان فعالیت‌ها و گسترش اقدامات تروریستی داعش را در جوامعی دید که به نحوی در آن شیعیان زعامت امور را به دست گرفته‌اند: کشورهایمانند سوریه و عراق، منطقه قلمون در مرز لبنان و سوریه و اخیراً گسترش تحرکات این گروهک در یمن. دومین مؤلفه، بیداری اسلامی و اضمحلال دیکتاتوری‌های منطقه است. واقعیت این است که با وقوع بیداری اسلامی (هرچند به صورت ناتمام) و تغییر رژیم^۲ در بسیاری کشورهای منطقه که به نوعی هم‌پیمان آمریکا، عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس محسوب می‌شدند، مانند حسنی مبارک، بن علی و ... نیاز به نوعی نیروی آلترناتیو که به نحوی آتش ناامنی را در مرزهای ایران و هم‌پیمانانش ایجاد کند، ملموس و محسوس بود.

1 . Islamic States in Iraq and Levant

2 . Regime Change



نوشتار کنونی دو هدف کلان را پیگیری می‌کند: نخست، تبیین این موضوع که شکل‌گیری گروهک تروریستی- تکفیری داعش با استفاده از تئوری بحران توماس اسپرینگز چگونه بوده است؟ به سخن دیگر، داعش در شکل‌گیری و اقدامات تروریستی خود برای ساقط کردن دولت اسد در سوریه و دولت عراق، چه رویکردهایی اتخاذ کرده است؟ دوم، داعش پس از قوام نسبی خود و برای بحران‌سازی، چه منابعی را بسیج کرده است؟ با دنبال کردن این دو هدف کلان، اهداف داعش نیز تبیین می‌شود.

۱. چارچوب نظری

الف) نظریه بحران توماس اسپرینگز^۱

نظریه بحران اسپرینگز چهار مرحله دارد و هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود. در مرحله اول، نظریه‌پرداز از بحران‌های سیاسی، که جامعه با آنها درگیر است، آغاز می‌کند. اکثر نظریه‌پردازان، آثار خود را در زمانی نگاشته‌اند که به طور فزاینده احساس می‌کردند جامعه‌شان دچار بحران است. بنابراین، اولین مسئله مشاهده و شناسایی مشکل جامعه است (اسپرینگز، ۱۳۷۰: ۴۵). مشاهده بی‌نظمی، عقل و احساس آدمی را به تحریک، غلیان و حرکت انداخته و وی را به سمت و سوی مرحله دوم، که تشخیص علل آن است، سوق می‌دهد. در مرحله بعد، نظریه‌پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی می‌پردازد، آرمان‌شهری در ذهن تجسم می‌کند و افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. در گام آخر نیز نظریه‌پرداز با توجه به اقدامات انجام‌شده در مراحل قبلی به ارائه درمان می‌پردازد (اسپرینگز، ۱۳۷۰: ۲۳۵).

مراحل چهارگانه در نظریه بحران اسپرینگز

مراحل	نظریه بحران اسپرینگز
مرحله اول	مشاهده و شناسایی مشکل جامعه
مرحله دوم	تشخیص علل و عوامل مشکل جامعه
مرحله سوم	بازسازی ذهنی جامعه سیاسی، ترسیم ذهنی آرمان‌شهر
مرحله چهارم	ارائه درمان جهت حل و فصل مشکل جامعه

ب) نظریه بسیج منابع چارلز تیلی^۱

مجموعه آرای چارلز تیلی را می‌توان در قالب نظریه‌هایی که با عنوان «بسیج منابع» شهرت یافته است، دسته‌بندی کرد. همان‌گونه که تیلی در مقدمه کتاب از بسیج تا انقلاب اذعان می‌دارد، تلاش برای تدوین نظریه‌ای به منظور تبیین و توصیف کنش‌های جمعی هدف‌گیری شده است. به عقیده وی، پدیده‌هایی مانند انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنبش‌های اجتماعی، توطئه‌های سیاسی و حتی بسیاری از کودتاها، انواع مختلفی از کنش‌های جمعی هستند که با هدف ایجاد تغییر یا ممانعت از تغییری در جامعه اتفاق می‌افتند. بدین منظور نظریه‌پردازی درباره کنش‌های اجتماعی برای نیل به شناخت این پدیده‌ها بسیار ضروری است. مجموعه نظریه‌های نظام‌یافته تیلی در زمینه کنش جمعی را می‌توان در کتاب مشهور وی، از بسیج تا انقلاب جست‌وجو کرد. وی در این کتاب به ضرورت مطالعه جنبش‌های اجتماعی می‌پردازد و پس از آن مروری مفصل و نقادانه بر نظریه‌های کلاسیک و متأخر ماقبل خود انجام می‌دهد (Tilly, 1981: 7-12). تیلی در ادامه تئوری خود، مدعیان قدرت سیاسی را به دو گروه تقسیم می‌کند: نخست، اعضای حکومت و سپس چالشگران حکومت. در واقع رقابت اصلی و منشأ پویایی در الگوی سیاسی ناشی از رقابتی است که میان مدعیان (اعضا و چالشگران) جریان دارد.

در این مقاله، بر اساس تئوری تیلی می‌توان توطئه‌های سیاسی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش را در قبال تشکیل و تأسیس گروهک تروریستی - تکفیری داعش ذیل کنش جمعی قرار داد و چالش‌ها میان دولت‌های عراق و سوریه (در قالب اعضای حکومت) و داعش (در قالب چالشگر حکومت) را در این راستا تبیین کرد و در ادامه بر اساس تئوری اسپرینگز به برخی رویکردهای اتخاذی رجال سیاسی و هم‌پیمانان عراق و سوریه مانند جمهوری اسلامی ایران بر اساس شناخت، تشخیص، بازسازی و ارائه راه‌حل‌هایی درباره حل بحران‌های داعش پرداخت.

۲. شناخت‌شناسی گروه تکفیری - سلفی داعش

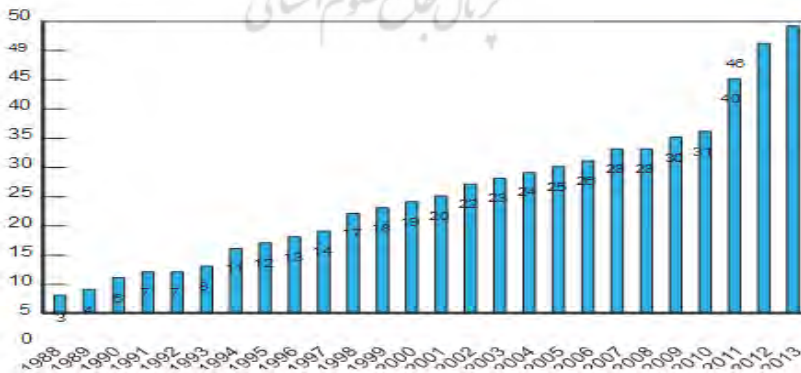
ورود فرهنگ غرب به جهان اسلام و فروپاشی امپراتوری عثمانی، بازتاب فراوانی در جامعه اسلامی داشت. مسئله خلافت از اساسی‌ترین مسائلی است که در صد سال گذشته ذهن مسلمانان اهل سنت را مشغول کرده و در همین راستا متفکران اسلامی صدها کتاب نوشته‌اند و ده‌ها گروه سیاسی تشکیل شده است. خلافت اسلامی از دست رفته و جهان اسلام گرفتار فرهنگ غرب شده و هیچ بارقه امیددی دیده نمی‌شود. اکنون چه باید کرد؟ آیا باید دست روی گذاشت و منتظر ماند یا برای برون‌رفت از

1. Charles Tilly



این وضعیت کاری انجام داد؟ جواب شمار فراوانی از متفکران اهل سنت به این سؤال، بازگشت به سلف بود. عده‌ای که دغدغه دین داشتند، راه‌حل اصلی را بازگشت به سلف دانستند و خود را سلفی نامیدند. بازگشت به سلف، اولین بار در مصر طنین‌انداز شد و سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، محب‌الدین خطیب و سید محمد رشیدرضا شعار بازگشت به سلف را مطرح کردند؛ اما این شعار مورد سوءاستفاده وهابیت قرار گرفت و آنها نیز خود را سلفی نامیدند و افکار ابن تیمیه را به عنوان افکار سلف ترویج کردند. این چنین عده‌ای از دردمندان مسلمان به دام افکار ابن تیمیه افتادند و خشونت و تکفیر برگرفته از افکار وی را تبلیغ کردند. این گروه‌ها برای احیای خلافت اسلامی یا دست‌کم تأسیس حکومت اسلامی، به فتواهای ابن تیمیه متمسک شدند و گاه با حکم جهاد، تکفیر را در جهان اسلام نهادینه کردند. بنابراین می‌توان با قاطعیت گفت همه جریان‌های تکفیری از دل گرایش‌های فکری سلفیه بیرون آمدند و سلفیان تحت تأثیر ابن تیمیه هستند؛ به عبارت دیگر، امروز جهان اسلام با پدیده‌ای به نام ابن تیمیه روبه‌روست که به اسم سلف و سلفی‌گری، خشونت را ترویج می‌کند و به کفر مسلمانان دیگر فتوا می‌دهد.

بر این مبنای دهه‌های اخیر خاورمیانه همواره آستان تحولات گسترده و ژرف و کانون بحران‌های گوناگون بوده و جهان را صحنه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است. یکی از پدیده‌های جدید در عرصه روابط بین‌الملل، سلفی‌گری و بنیادگرایی اسلامی است که اکنون در خاورمیانه و بیشتر کشورهای اسلامی فعالیت دارد. مهم‌ترین تحولی که طی سال‌های اخیر رخ داده، تبدیل سلفی‌گری به جریانی فراگیر و فعال به ویژه در جریان موج سوم بیداری است. آن گونه که در نمودار زیر آمده است، سلفی‌گری تکفیری از سال ۲۰۱۱، در مقایسه با سال‌های قبل، رشدی بی‌سابقه داشته است.



نمودار روند افزایش ایجاد گروه‌های تکفیری (۲۰۱۳-۱۹۸۸) (Jones, 2014)

بنیادگرایان با عناوین مختلف در طول چند دهه اخیر به فعالیت پرداخته‌اند. داعش یکی از این گروه‌های بنیادی است که با پیشروی‌هایی که در عراق انجام داده است، خود را «دولت اسلامی در عراق و شام» نامیده و شرایط منطقه را به معادله‌ای چندمجهولی تبدیل کرده است. داعش، گروهی منشعب از القاعده است که از منظر گرایش‌های عقیدتی و فکری و همچنین جنبه رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد؛ با این حال رفتار این گروه تروریستی در طول یک دهه گذشته به خصوص چند سال اخیر، نشان می‌دهد که این گروه در مقایسه با القاعده، افکار رادیکال‌تر و اعمال خشونت‌آمیزتری دارد. هرچند داعش در شکل کنونی محصول بحران سوریه و گسترش اختلافات و منازعه‌های منطقه‌ای بعد از ۲۰۱۱ است، ریشه‌ها و روند قدرت‌گیری آن به دوره پس از حکومت صدام در عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ به بعد مربوط است. آغاز شکل‌گیری داعش به دوران جنگ عراق و اشغال آن از سوی آمریکا برمی‌گردد. داعش ابتدا متعهد به وفاداری و حمایت از القاعده بود و به القاعده عراق مشهور شد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ این گروه به یک سازمان فراگیر برای گروه‌های شورشی عراق با عنوان حکومت اسلامی عراق تبدیل شد (Graeme, 2015: 6-8). در سال ۲۰۰۶ که ابومصعب زرقاوی، تروریست بنیادگرای اردنی‌الاصل به عراق رفت، سرکرده القاعده در عراق شد و گروهی به نام «جماعت توحید و جهاد» تشکیل داد. زرقاوی که ریاست این گروه را به عهده داشت، با القاعده به رهبری اسامه بن لادن بیعت کرد و نماینده القاعده در این منطقه شد. اواخر سال ۲۰۰۶ رسانه‌ها از تشکیل گروهی نظامی با نام دولت اسلامی عراق به رهبری ابوعمر بغدادی خبر دادند که دربرگیرنده و نماد همه شبکه‌ها و تشکیلات بنیادگرای فعال در عراق بود (Black, 2014: 2-3). شبکه القاعده که در زمان اشغال عراق از سوی آمریکا به عنوان یک گروه جهادی ضد نیروهای آمریکایی مطرح بود، موفق شد با جذب تعداد زیادی از جوانان عراقی مخالف حضور آمریکا، قدرتمندترین گروه شبه‌نظامی را در عراق تأسیس کند. زرقاوی در سال ۲۰۰۶ به دست نظامیان آمریکایی به قتل رسید و یکی از اعضای ارشد این گروه به نام ابوحوزه مهاجر، رهبری گروه را به دست گرفت. ابوحوزه که یکی از اعضای حزب اخوان المسلمین بود، سال ۱۹۸۲ به جهاد اسلامی مصر پیوست و سال ۱۹۹۹ به افغانستان رفت. وی برای توسعه داعش تلاش فراوان کرد و عملیات‌های مختلفی علیه نیروهای آمریکایی طراحی کرد تا اینکه در آوریل ۲۰۱۰ در حمله مشترک نیروهای عراقی و آمریکایی همراه ابوعمر بغدادی، یکی دیگر از فرماندهان ارشد این گروه، به قتل رسید (Star, 2015: 7-10).



شورای مشورتی دولت اسلامی عراق پس از گذشت ده روز، تشکیل جلسه داد و ابوبکر بغدادی را به ریاست گروه برگزید. البغدادی فعالیت‌های خود را با تبلیغ و آموزش شروع کرد و سپس به کار نظامی روی آورد و امروز به عنوان قطبی از قطب‌های سلفیه جهادی و از مشهورترین نظریه‌پردازان سلفی در استان‌های دیاله و سامرای عراق به شمار می‌رود. وی پس از طراحی و اجرای چندین عملیات تروریستی و شرکت در جنگ‌های خیابانی با همکاری برخی شخصیت‌های بنیادگرا و همسو با اندیشه‌هایش، نخستین گروه تکفیری را تشکیل داد و فعالیت‌های گروهی خود را در بغداد، سامرا و دیاله توسعه بخشید (Doug, 2014:11). هنگامی که امواج بیداری اسلامی پس از تونس، مصر، یمن و لیبی به سوریه رسید، بغدادی از بحران و هرج و مرج سوریه بهره‌برداری کرد و با شعار «یاری اهل سنت سوریه»، وارد خاک این کشور شد و مناطق وسیعی از شرق آن را اشغال کرد و ضمن همکاری با سایر گروه‌های تکفیری مانند جبهه النصره و ارتش آزاد و برخورداری کامل از حمایت کشورهای غربی، آمریکا، رژیم اشغالگر قدس، ترکیه و عربستان سعودی با دولت و مردم سوریه وارد جنگ شد (Choluv, 2015: 4).

۳. تبیین گفت‌و‌مان شکل‌گیری گروهک داعش بر اساس نظریه بحران اسپرینگز

(الف) مشاهده و شناسایی مشکل جامعه

پس از حمله آمریکا به عراق در زمان حکومت صدام، بسیاری از سران کنونی داعش از جمله بغدادی، در زندان بوکا و تحت حفاظت و نظارت آمریکا به سر می‌بردند. آنان در خلال سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ به رغم اسارت در زندان، طرح‌ها و نقشه‌های اولیه شکل‌گیری دولت اسلامی و مبارزه مستقیم به منظور مبارزه و مقابله با نظام کفر و استبداد را طرح‌ریزی کردند و با استفاده از برخی افراد واسطه ارتباط‌هایی با برخی افراد مشهور و بازمانده بعثی مانند عزت ابراهیم‌الدوری، نفر دوم حزب بعث عراق، گرفتند و هسته‌های نخست داعش را بنا نهادند. داعش نخستین و مهم‌ترین مشکل جامعه مسلمین را حضور نیروهای غربی به ویژه نیروهای آمریکایی حاضر در عراق و هم‌پیمانان آن از اتحادیه اروپا به خصوص انگلستان می‌دانست. البته بعدها با قوام تدریجی، تطوری اساسی در نظریات و مبانی اعتقادی این گروهک تروریستی ایجاد شد و دولت اسد در سوریه و نیز کشورهای عراق، ایران، یمن و ... متهمان اصلی بحران‌های منطقه تلقی شدند و جهاد علیه این کشورها در صدر سیاست این گروه قرار گرفت (Rogin, 2014: 1-3).

دومین مشکل اساسی جامعه اسلامی فقدان رهبری واحد است؛ به سخن دیگر، داعش با تأکید بر احیای مفهوم خلافت در نظریات اندیشمندان اهل سنت، بر مفهوم وجود رهبری (خلیفه) مقتدر برای احیای شکوه جامعه اسلامی تأکید می‌کند و بسیاری از مشکلات مسلمانان و استیلای نظام غرب بر این امت را فقدان خلیفه واحد می‌داند. به همین سبب، ابوبکر البغدادی، به محض قوام اولیه این گروهک تروریستی، مانند ملاعمر، رهبر طالبان افغانستان، خود را خلیفه مسلمین خوانده و جامعه مسلمان را به بیعت از خود فراخوان داده است (Peritz, 2015: 5).

سومین مشکل اساسی جامعه اسلامی به زعم رهبران داعش، تبیین نشدن صحیح و دقیق احکام و مامشات در اجرای حدود احکام شریعت اسلام است. داعش با تأکید ویژه بر نظریات ابن تیمیه به عنوان کامل‌ترین تئوریسین در زمینه طراحی سیاست‌های پراگماتیستی در جهان اسلام، مواردی مانند خشونت، تروریسم، مثله کردن دشمن و... را نه تنها جایز می‌شمارد، بلکه آن را وظیفه شرعی و حدودی خود تلقی می‌کند (Fisher, 2014: 10-12).

چهارمین مشکل اساسی جامعه اسلامی به زعم رهبران داعش، به خود جهان اسلام مربوط است. داعش برخی مشکلات و معضلات جهان اسلام را وجود عقاید مذهبی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی کفرآمیز و مغایر سنت اسلامی دانسته و به شدت با آن مخالفت و برای از بین بردن آنها اقدام کرده است. تخریب مقبره‌های اصحاب حضرت رسول (ص) در سوریه و عراق، به آتش کشیدن کتابخانه‌های قدیمی، اقتصاد کاملاً دولتی و نفی خصوصی‌سازی و مانند آن را می‌توان بیان کرد (Bronstein, 2014: 14).

در نهایت پنجمین و آخرین معضل اساسی جهان اسلام به نظر هسته اصلی داعش، ضعف ساختاری و تربیت نیروهای مجاهد اسلامی در تمام زمینه‌هاست. یکی از نقاط اختلاف مهم داعش و گروه القاعده نیز همین موضوع است. داعش با تأکید بر تربیت نیروهای زبده و مبارزه کوتاه‌مدت سعی در غافلگیری دشمن و وارد کردن ضربات اساسی بر آنان دارد و فقدان نیروهای کارآمد مبارز در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، مهندسی و... را از مهم‌ترین معضلات موجود در نظام اداری و ساختاری جهان اسلام قلمداد می‌کند (Matthews, 2014: 25).

در جمع‌بندی کلی، موارد پنج‌گانه حضور قدرت‌های غیراسلامی (کافر) در جهان اسلام و استیلای آنان بر تمام امور مسلمین، فقدان رهبری (نبود خلیفه)، اجرا نشدن شریعات واقعی اسلامی، مشکلات درونی جهان اسلام و در نهایت ضعف‌های اساسی در ساختارهای تربیتی و اداری مهم‌ترین دستاویز و مستمسک داعش در ایجاد حکومت



در عراق و شام بوده است؛ هرچند گذشت زمان نادرستی برخی دلایل یادشده را اثبات کرده است.

به نظر می‌رسد در ایجاد چنین بحرانی از سوی داعش موارد دیگری هم تأثیرگذار بوده‌اند: نخست، سکوت معنادار ایالات متحده آمریکا در قبال فعالیت‌های تروریستی داعش: آزادی ابوبکر البغدادی و سایر هم‌قطاران وی به طرز عجیبی در سال ۲۰۰۹ از زندان مخوف بوکا نخستین جرقه این نظریه را ایجاد می‌کند که سران ایالات متحده آمریکا از همان اوان از برنامه‌های تروریستی البغدادی آگاهی کامل داشته و نه تنها شرایط آزادی وی را فراهم کرده، بلکه برخی دیگر از سران فراری حزب بعث مانند عزت ابراهیم الدوری و... را به نوعی با داعش مرتبط کرده‌اند. در این میان هرچند آمریکا جسته و گریخته به محکوم کردن داعش و فعالیت‌های آنان اقدام کرده است، اما در راستای ریشه‌کنی تروریسم داعش در سوریه و عراق کوچک‌ترین اقدامی انجام نداده است (Carey & Haboush, 2014: 3-4).

از سوی دیگر، مواضع جالب و تا حدی عجیب رژیم اشغالگر قدس نیز بحث‌انگیز است. داعش، همان‌گونه که اشاره شد، احیای اسلاف اسلامی و احیای خلافت را مد نظر دارد، اما نه تنها مواضع خصمانه‌ای علیه اشغالگران صهیونیستی اتخاذ نکرده، بلکه در بسیاری موارد آموزش‌های تروریستی، دریافت کمک‌های اقتصادی و نظامی و حتی درمان بسیاری از زخمی‌ها و مصدومین داعش در سرزمین‌های اشغالی و به دست صهیونیست‌ها انجام می‌گیرد (Mc Coy, 2014: 13-16).

سومین دلیل، قدرت روزافزون شیعیان منطقه است. داعش امروزه حوزه فعالیت‌های خود را در سرزمین‌هایی قرار داده است که به نوعی قدرت را در آنجا شیعیان و وابستگان به آنها در اختیار دارند که نمونه آن علویان سوریه به رهبری اسد و شیعیان عراق هستند. از سوی دیگر، داعش در نخستین روزهای تأسیس خود علاوه بر مبارزه با کفار، حکم ارتداد شیعیان و علویان را صادر کرد و آنان را مهدورالدم خواند.^۱ در این باره می‌توان نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده و قدرت‌های منطقه‌ای مثل ترکیه به خصوص عربستان سعودی را برجسته دید. واقعیت این است که ترکیه با سیاست‌هایی که ممانشات در آن موج می‌زند در فاجعه کوبانی کاملاً همسو و هم‌راستای منافع داعش گام برداشت و از سوی دیگر، عربستان سعودی را یقیناً می‌توان مرکز ثقل تغذیه‌کننده ایدئولوژیکی داعش و تأمین‌کننده بخش مهمی از نیروهای تروریستی این گروهک در نظر گرفت. به همین علت برآیند اتحاد چهارگانه

1 . Dabiq, "What Islamic State's New Magazine Tells Us about Their Strategic Direction, Recruitment Patterns and Guerrilla Doctrine", *The Jamestown Foundation*, 1 August 2014.



آمریکا، صهیونیسم، ترکیه و عربستان سعودی برای مقابله با هلال شیعه در منطقه، دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) بوده است (Wallsh, 2013: 4-17).

سقوط دیکتاتورهای منطقه که به نوعی هم‌پیمانان رسمی آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای بودند، عامل دیگری است که در تأسیس و قوام داعش مؤثر بوده است. بی‌گمان سقوط هم‌پیمان استراتژیک ترکیه یعنی اخوان‌المسلمین و مرسی، حسنی مبارک و روابط حسنه وی با سعودی‌ها، سقوط صدام و خلأ روانی بعثی‌ها، حضور گسترده شیعیان منطقه در قالب حزب‌الله (حزب‌الله لبنان، حزب‌الله سوریه، حزب‌الله عراق، حزب‌الله یمن و...) خلئی محسوس در این زمینه ایجاد می‌کرد که تأسیس داعش و ناآرامی‌های آن دست‌کم از چند جانب می‌توانست مفید و مؤثر باشد:

- گسترش نامنی‌ها یقیناً حضور نیروهای فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده را به بهانه‌های مبارزه با تروریسم و ... در منطقه توجیه خواهد کرد (Sullivan, 2014: 9).

- گسترش بیش از پیش خشونت‌ها و عملیات نظامی داعش، فروش تسلیحات به این گروهک تروریستی را بسیار افزایش داده است؛ به نحوی که آمریکا، فرانسه و برخی دیگر از هم‌پیمانان غربی این گروه، بیشترین تسلیحات خود را در همین مدت کوتاه در اختیار داعش قرار داده و سوده‌های سرشاری را نصیب خود کرده‌اند.

- دستیابی داعش به چاه‌های نفت عراق و سوریه، نه تنها اقتصاد این گروه تروریستی- تکفیری را با ارقام سرسام‌آوری بهبود بخشیده است، بلکه نیازهای نفتی کشورهایمانند ترکیه و رژیم اشغالگر قدس را نیز به خوبی تأمین و تطمیع کرده است. از آغاز فعالیت‌های تروریستی داعش در سوریه و عراق، این دو کشور بیشترین سهم را در خرید محصولات نفتی داعش (غیرمستقیم) داشته‌اند (Prusher, 2014: 15-22).

ب) تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه

پس از شناسایی مشکلات جامعه اسلامی به عنوان دلایل تأسیس داعش از سوی رهبران این گروهک تروریستی- تکفیری و تبیین برخی از مهم‌ترین دلایل واقع‌بینانه شکل‌گیری داعش، اکنون تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه (از نگاه داعش) را بر اساس نظریه بحران اسپرینگز برخواهیم شمرد.

سران و زعمای داعش در تشخیص و تحلیل علل مشکلات جامعه بسیار دقیق عمل کرده‌اند. آنان با تشخیص کشورهای عراق و سوریه به عنوان کانون مشکلات و بحران‌های کنونی، تمام تحرکات خویش را معطوف این دو کشور کردند. عراق مورد تجاوز و اشغال نیروهای آمریکایی قرار گرفته بود که دلیل متقنی برای داعش برای



مجاهدت در این کشور بود. از سوی دیگر با نفوذ روزافزون شیعیان، به ویژه جمهوری اسلامی ایران در عراق، بهترین فرصت برای داعش ایجاد شد تا به نام حکومت اسلامی هم‌زمان با نیروهای آمریکایی و شیعیان در این منطقه مبارزه کند. داعش با گسترش فعالیت‌های تروریستی خود به مرزهای لبنان (منطقه قلمون) و پایتخت موقت خود در شهر رقه سوریه نشان داد که کماکان منطقه نخست از باب اهمیت، سوریه است. در ادامه برخی از مهم‌ترین دلایلی را که داعش دو کشور عراق و سوریه را کانون بحران‌سازی‌ها قرار داده است، بررسی خواهیم کرد:

- پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق، موقعیت مناسبی برای فعالیت‌های تروریستی ایجاد شد (به علت خلأ قدرت در عراق). در واقع پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق، موج فعالیت‌های تروریستی و ضد امنیتی در عراق در قیاس با دوران حضور نیروهای آمریکایی در این کشور بیش از شانزده برابر افزایش یافت که آمار رو به رشد چشم‌گیری است (Gates, 2014: 36-48).

- همکاری‌های وسیع و گسترده بعثی‌های بازمانده از دوران صدام با داعش، بی‌گمان از دلایل مهم داعش برای انتخاب عراق به عنوان یکی از کانون‌ها و پایگاه‌های فعالیت بوده است. جالب آنکه سه نفر از هسته اصلی و ده نفر نخست گروهک تروریستی - تکفیری به نام‌های ابومسلم الترمکمانی (افسر بعثی در تلعفر)، ابوعبدالرحمن البیلاوی (افسر بعثی در موصل) و ابومهند السویداوی (افسر بعثی در الانبار) صبغه و سابقه عضویت در حزب بعث عراق را دارند (Ricks, 2015: 7-13). از سوی دیگر، مغز متفکر داعش، ابراهیم عزت‌الدوری، که پس از صدام، نفر دوم حزب بعث عراق بوده است، در سازماندهی و ساختارسازی داعش نقشی بسیار برجسته داشته است.

- تشتت مواضع سیاسی در عراق و سوریه: تشتت و چندپارگی‌های سیاسی به ویژه در عراق ملموس‌تر است. حزب بعث به ریاست ایاد علاوی، سنی‌های عراق، جریان صدر و جریان سید عمار حکیم و در نهایت فعالیت کردها به ریاست بارزانی، زمینه مناسبی برای فعالیت داعش فراهم کرد. البته نباید نقش کشورهای مانند عربستان سعودی و قطر را نادیده انگاشت؛ به ویژه این نقش هنگام انتخابات عراق و پیروزی شیعیان با شدت هرچه بیشتری از سوی کشورهای مذکور ادامه یافت و حمایت‌های رسانه‌ای شبکه الجزیره وابسته به قطر و حمایت‌های معنوی و ایدئولوژیکی عربستان سعودی و صد البته حمایت‌های کلان مشترک اقتصادی دو کشور، سبب تشدید فعالیت‌های داعش در عراق شد (Hassan, 2014: 88-89).¹ این

1 "Iraq Crisis: How Saudi Arabia Helped Isis Takes over the North of the Country", The Independent, 13 July 2014.

وضع در سوریه نیز صدق می‌کند؛ با این تفاوت که در سوریه تشتت قومیتی رنگ و بوی خاصی دارد؛ به همین علت نخستین هدف داعش در سوریه، کنترل شهرهایی بود که قومیت‌ها با دولت بشار اسد اختلاف داشتند که نمونه آن رقه، ادلب، حما و لاذقیه هستند^۱ (Cave, 2012: 2-5).

ج) بازسازی ذهنی جامعه سیاسی، ترسیم ذهنی آرمان‌شهر

پس از تبیین شناخت مشکلات جامعه از نگاه داعش، اکنون بازسازی ذهنی و ترسیم ایده‌آلیسم^۲ مد نظر این گروهک تروریستی- تکفیری گریزناپذیر می‌نماید.

- جهان‌شمولی: داعش مرزهای موجود بین کشورهای اسلامی را که حاصل تجزیه خلافت عثمانی براساس قرارداد سایکس - پیکو سال ۱۹۱۶ بین وزیران امور خارجه انگلیس و فرانسه است، نمی‌پذیرد و به دنبال احیای خلافت اسلامی است و براساس عقاید خود، نقشه‌ای از جهان را ترسیم کرده است. نخستین آرمان‌شهر مد نظر داعش گسترش حوزه‌های تحت سیطره این گروهک تروریستی در تمام جهان است؛ به عبارت دیگر، نخستین ایده‌آلیسم مد نظر داعش انترناسیونالیسم^۳ این گروهک است. داعش با ترسیم نقشه‌ای، حوزه‌های حکومتی و سیطره‌ای خود را نمایش داده است (Nour, 2014: 1-8).



مناطق مشخص شده با رنگ سیاه، مناطق مد نظر گروهک داعش برای تصرف است.

- تغییر بافت قدرت منطقه: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های داعش و حتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های قدرت روزافزون شیعیان منطقه است؛ به همین علت با اندکی

1 . Christopher Kozak, The Regime's Military Capabilities: Part 1, ISW, Local NDF Commanders Often Engage in War, 2015.

2 . Idealism

3 . Internationalism

دقت به وضوح می‌توان دریافت حوزه تروریسم داعش پیرامون مناطق شیعه‌نشین خاورمیانه است. بنابراین از ایده‌آلیسم مد نظر داعش تغییر بافت قدرت منطقه از شیعیسم به اهل سنت است (Wagner & Siemaszco, 2015: 5-6).

- ساختارسازی اسلام مبتنی بر رادیکالیسم: یکی از مهم‌ترین آرمان‌شهرهایی که می‌توان برای داعش متصور شد، ساختارسازی و کارگزارمحوری آن بر اساس اسلام رادیکال است. داعش تمام بنیادهای عقیدتی و پراگماتیستی خود را مبتنی بر رادیکالیسم و افراط‌گرایی می‌داند؛ چنان‌که در نشر و توزیع سیاست‌های خود در سوریه، مبنای این تیمیه و گفتارهای وی در جای جای این مرام‌نامه اجرایی و عقیدتی دیده می‌شود (Arango, 2014: 9-14).

د) ارائه درمان برای حل و فصل مشکل جامعه

برخی از مهم‌ترین سیاست‌های پراگماتیستی داعش برای حل و فصل مشکلات جامعه عبارت‌اند از:

- تروریسم: یقیناً مرکز ثقل فعالیت‌های داعش تروریسم است؛ به سخن دیگر، عملیات انتحاری، بمب‌گذاری‌ها، ترور شیعیان و اهل سنت کانون تحرکات داعش برای حل و فصل مشکلات جامعه به شمار می‌رود (Shadid, 2014: 2-3).

- خشونت و توحش: از پارامترهای دیگر داعش به منظور حل بحران جامعه، خشونت فزاینده و توحش است. گروهک تروریستی- تکفیری داعش با انتشار تصاویر و ویدئوهایی که در آن سر مخالفان، اسرا و افراد بیگانه را بریده و اقدامات وحشیانه دیگر اعم از فروش زنان و ... سعی در ایجاد نوعی ارباب و وحشت‌افکنی میان مخالفین خود دارد (Winterton, 2014: 1-4).

- تبلیغات: تبلیغات گسترده رسانه‌ای و مجازی از سوی داعش با استفاده از ابزارهایی مثل توئیتر، شبکه‌های رسانه‌ای مانند الجزیره از رویکردهای دیگر داعش برای نیل به اهداف تروریستی است (Berger, 2014: 1-3).^۱

- جذب گسترده نیروهای مختلف: داعش به منظور قوام خود اقدام به عضوگیری از گروهک تروریستی از میان کشورهای مختلف دنیا کرده است. اینکه داعش چه تعداد نیرو در عراق و سوریه دارد، گمانه‌زنی‌ها متعدد است، اما وجود نیروهایی بالغ بر دویست‌هزار نفر از اتقان بیشتری برخوردار است. به همین علت، یکی از مهم‌ترین

1 . "ISIS Faces Resistance from Social Media Companies", *Anti-Defamation League*, 23 July 2014.

سیاست‌های اجرایی داعش جذب نیرو است. در این باره دو بحث وجود دارد: نخست اینکه داعش چگونه نیرو جذب می‌کند؟ دیگری، تبیین و واکاوی این موضوع است که چرا داعش از غرب به صورت وسیع نیرو جذب می‌کند؟ در بحث نخست باید گفت داعش با تأکید بر سه عامل جذب رؤسای قبایل و ریش‌سفیدان آنها سعی در جذب حداکثری نیروهای قبایل و عشایر نقاط مختلف سوریه و عراق دارد. عامل دوم، سرمایه‌گذاری بر کودکان و نوجوانان است و در نهایت تأکید داعش بر از بین بردن مرزهای اسلامی و حضور تمام مسلمان و تأکید بر هویت اسلامی آنان است که نیروهای خود را از قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و نگرش‌های مختلف اسلامی (و در برخی مواقع غیراسلامی) جمع‌آوری می‌کند (Abul Taher, 2014: 5-7).

در بحث دوم باید گفت شاید بتوان شبکه‌های اجتماعی را در این روند مؤثر دانست، اما چنین توضیحی بر علل اصلی جلب حمایت از سوی این گروه سایه می‌اندازد. توئیت‌ر و فیس‌بوک شیوه‌هایی درخور توجه برای سازماندهی فراهم می‌آورند، اما نمی‌توانند انگیزه‌ای برای سازماندهی باشند. برخی نیز بر این عقیده‌اند که جوانان مسلمان اروپایی که مشکلات مالی دارند یا از سوی جامعه رانده شده‌اند، با گرایش به افراط‌گرایی مواجه هستند. این مسئله درست است و همواره صحیح بوده است. مشکلات اجتماعی-اقتصادی زمینه‌ای مساعد برای ایدئولوژی‌های افراطی فراهم می‌آورد، اما بسیاری از جوانانی که به داعش می‌پیوندند، از خانواده‌هایی از قشر متوسط جامعه هستند و چشم‌انداز زندگی آنها عالی بوده است. اگر این مردان جوان و به طور فزاینده زنان جوان، تا این اندازه خود را مشتاق پیوستن به جنبشی می‌بینند که در نهایت احتمالاً منجر به مرگ آنها خواهد شد، باید دلیل و برهانی مهم‌تر از مشکلات اقتصادی یا شرایط خوب اجتماعی وجود داشته باشد (Machaidze, 2015: 7-8). داعش به این دلیل برای مسلمانان اروپایی جذاب نیست که به آنها کمک می‌کند فقر خود را فراموش کنند، بلکه دلیل جذابیت داعش آن است که جایگزینی جذاب و معنادار در مقابل زندگی برای رفاه مادی و امنیت اقتصادی به آنها پیشنهاد می‌کند. این تفکر که بهبود وضع اجتماعی و مالی مناطق مسلمان‌نشین غرب اروپا بر پیوستن افراد جدید به داعش تأثیر می‌گذارد، ساده‌انگارانه است. درست است که به کارگیری نیرو بین افرادی که از نظر مالی با مشکل مواجه شده‌اند، ساده‌تر است، زیرا این افراد به پول نیاز دارند و چیزی برای از دست دادن ندارند؛ با این حال، این نظریه نیز نمی‌تواند موفقیت داعش را در جذب آن دسته از افراد که فقر مالی نداشتند یا در شرایط خوب اجتماعی بودند، توضیح دهد. برای نمونه می‌توان به ناصر موتانا، مرد جوانی از ولز، اشاره کرد که



برای پیوستن به داعش، چهار پیشنهاد برای تحصیل در رشته پزشکی در دانشگاه‌های انگلیس را رد کرد (Burke, 2015: 15-17).

آنچه داعش و قاتلان خشونت‌گرای آن به جوانان مسلمان اروپایی پیشنهاد می‌کنند همان چیزی است که دموکراسی‌های لیبرال غربی با تأکید بر شناخت فردی و راحتی مالی، توانایی ارائه آن را ندارند؛ یعنی فرصت بخشی از یک ایدئولوژی بودن که بتواند به زندگی یک فرد معنا دهد. بدین ترتیب آنها به مجموعه‌ای از افرادی با ذهنیت‌های مشابه با هدف مشترک برادری می‌پیوندند. داعش با ادراک یکجانبه از ارتداد، احیای خلیفه و ترکیبی دیوانه‌کننده از کشتار و ایجاد کشور، همه خواسته‌های این افراد را فراهم می‌آورد. همین تصورات و تفکرات و تلاش برای رسیدن به مفهومی بزرگ‌تر از زندگی است که قلب جوانان اروپایی را برای پیوستن به داعش به صدا در می‌آورد. جوانان اروپایی برای چنین تفکراتی با اشتیاق خود را فدا می‌کنند. اگر دموکراسی‌های غربی واقعاً در تلاش هستند از جذب شدن جوانان به سمت داعش جلوگیری کنند، می‌بایست در تفکرات ارتدوکسی صلح اقتصادی و عقاید سکولار در این باره که راحتی فیزیکی و فرصت‌های اقتصادی راه‌حلی برای همه نارضایتی‌های اجتماعی است، تجدید نظر کنند (Witular, 2014: 21-23).

جوانان عموماً به عللی با شکوه، جدی و قاطع نیاز دارند تا آنها را از آنچه تلاش بی‌فایده و بی‌ارزش خانواده و اطرافیان خود می‌پندارند، رهایی دهد. چنین کشش و تمایلی تنها مربوط به جوانان مسلمان افراطی نیست و در حقیقت بخشی از ماهیت انسان است و شواهد آن در تاریخ بشریت بارها مشاهده شده است. داعش اولین گروهی نیست که تلاش کرده است از احساس نیاز به بخشی از یک کل بزرگ‌تر بودن استفاده کند. عقیده اصلی در رژیم‌های لیبرال این است که کشور نباید ایده‌ای مختص خود را دیکته کند و هر شهروندی باید بتواند خواسته‌های خود را دنبال کند تا زمانی که این مسئله مشکلی برای دیگران به وجود نیاورد. چنین طرز تفکری ارزشمند است، اما درک بزرگی و شکوه چنین طرز تفکری احتمالاً برای بسیاری دشوار است. این مشکل بزرگ دموکراسی‌های لیبرال و ضعف حقیقی آنها در مبارزه علیه هر گونه افراطی‌گرایی است. اکنون به شیوه‌ای نیاز است که دموکراسی لیبرال را جذاب‌تر نشان دهند. شاید اگر شرایط اجتماعی بهبود یابد و دموکراسی لیبرال به شیوه‌ای مناسب‌تر به عرضه گذاشته شود، جوانان مسلمان در غرب قانع شوند که لیبرالیسم نیز می‌تواند فرصت‌هایی برای زندگی ارزشمندتر و ورای مادیات فراهم آورد (Dean, 2014: 3-5).

۴. تبیین مبانی شکل‌گیری داعش با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی، به باور چارلز تیلی، پدیده‌هایی مانند انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنبش‌های اجتماعی، توطئه‌های سیاسی و حتی بسیاری از کودتاها، انواع مختلفی از کنش‌های جمعی هستند که با هدف ایجاد تغییر یا ممانعت از تغییری در جامعه اتفاق می‌افتند. مجموعه نظریه‌های نظام‌یافته تیلی در زمینه کنش جمعی را می‌توان در کتاب مشهور وی، از بسیج تا انقلاب جست‌وجو کرد. تیلی در ادامه تئوری خود، مدعیان قدرت سیاسی را به دو گروه تقسیم می‌کند: نخست، اعضای حکومت و سپس چالشگران حکومت. در واقع، رقابت اصلی و منشأ پویایی در الگوی سیاسی ناشی از رقابتی است که میان مدعیان (اعضا و چالشگران) جریان دارد. اکنون پس از تبیین مبانی شکل‌گیری داعش در پی آنیم تا با استفاده از الگوی بسیج منابع تیلی و کنش‌های جمعی طرح‌شده وی به واکاوی تنازع چالشگران حکومت (داعش) و اعضای دولت (عراق و سوریه) بپردازیم:

الف) داعش و بحران سوریه، از آغاز تا کنون

به طور کلی مخالفان مسلح حکومت سوریه از گروه‌های متعددی تشکیل می‌شوند. ارتش آزاد سوریه که در سال ۲۰۱۱ توسط نظامیان جداشده از ارتش سوریه تشکیل شد و جبهه النصره که شاخه رسمی القاعده در سوریه است، مهم‌ترین گروه‌های اپوزیسیون سوریه هستند. داعش اکنون بر بخش‌های شرقی سوریه حکومت می‌کند و حدود نیمی از خاک این کشور را در کنترل دارد. از سوی دیگر، دولت اسد پس از مشکلات سیاسی، اقتصادی و... که در نهایت به ایجاد تنش‌های گسترده میان دولت وی و مخالفان انجامید و شرایط را بیش از پیش برای فعالیت‌های تروریستی داعش فراهم آورد، در سه بعد سیاسی، نظامی و اقتصادی دست به اصلاحاتی گسترده زد تا بتواند جنگ داخلی را در کشور خود به پایان رساند. در بعد سیاسی، بشار اسد تمام مساعی خود را برگماشت تا نیروهای مخالف خود را با استفاده از اصول دموکراتیک مثل مجلس و انتخابات به مبارزه دعوت کند. وی حتی اعلام کرد در انتخابات ریاست‌جمهوری سوریه به صورت کاملاً رسمی و با حضور نمایندگان از مجامع جهانی با رقبای خود مبارزه انتخاباتی خواهد کرد؛ اما مخالفان اعم از اخوان المسلمین، کمیته هماهنگی ملی، احزاب کرد، ارتش آزاد سوریه، شورای ملی سوریه و حتی دوستان سوریه که کمیته بین‌المللی حل و فصل بحران سوریه به شمار می‌رود، سعی در القای استعفا و برکناری به وی داشتند که موفق نشدند. در بعد نظامی نیز ارتش سوریه و دولت اسد با



کمک هم‌پیمانان خود از جمهوری اسلامی ایران، شبه‌نظامیان شبیحه، حزب‌الله لبنان، حزب‌الله عراق و سپاه مهدی تا کنون درگیری‌های وسیعی با نیروهای داعش داشته‌اند، در حدی که تعداد قربانیان جنگ تا سال ۲۰۱۵ بین ۲۲۰ هزار نفر بر اساس برآورد سازمان ملل و تا ۳۱۰ هزار نفر بر اساس برآورد دیده‌بان حقوق بشر بوده است. به علت گسترش دامنه تروریسم و حملات داعش حدود ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از سوری‌ها خانه خود را از دست داده‌اند. از این تعداد ۱/۷ میلیون نفر به ترکیه، ۱/۲ میلیون نفر به لبنان، ۶۲۵ هزار نفر به اردن و ۲۴۵ هزار نفر به عراق پناهنده شده‌اند.^۱ به هر حال گسترش همه‌جانبه بحران در سوریه از سوی داعش تا کنون به مصالحه و آتش‌بس ختم نشده است که می‌توان به دلایل زیر به عنوان مهم‌ترین آنها اشاره کرد:

- بیداری اسلامی و گسترش امواج تحولات سیاسی در کشورهای عربی و نفوذ آن به سوریه؛
- تحركات گسترده اخوان‌المسلمین علیه دولت اسد؛
- ائتلاف کردها علیه دولت اسد؛
- حمایت کمیته بین‌المللی دوستان سوریه از مخالفین دولت اسد؛
- حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از دولت اسد به عنوان یکی از دشمنان رژیم اشغالگر قدس؛
- خط و نشان بشار اسد برای عربستان سعودی به عنوان نماد بربریت در منطقه و حمایت‌های سعودی‌ها از داعش^۲ (Muir, 2012: 1-5).

ب) داعش و بحران عراق، سیاست‌های پراگماتیستی داعش و دولت عراق علیه یکدیگر به طور کلی داعش تلفیقی از چهار نیروی اصلی هم‌پیمان است: القاعده، حزب بعث، گروه‌های مسلح اسلام‌گرای تندرو و برخی افراد عشایر سنی. البته برای درک انسجام این گروه‌ها باید آنها را تفکیک کرد. القاعده در عراق عملاً قبل از سقوط صدام با همکاری او احیاناً یا چشم‌پوشی نظام بعثی به تدریج وارد عراق شد تا بتواند به عنوان نیروی کمکی و غیرمنظم در جنگ صدام با آمریکا وارد عمل شود. صدام خوب

1 . "Syrian Protests Add to Pressure on Assad Regime", *The Wall Street Journal*, 23 March 2011.

2 . Robert Burns, "Strikes in Iraq, Syria Expected Under New War plan", Associated Press, Archived from the Original on 15 September 2014.

می‌دانست که از لحاظ مردمی دیگر جایگاهی حتی نزد سنی‌ها ندارد و به این علت القاعده را که در ظاهر اختلافات عقیدتی با آنها داشت، به میدان آورد تا دست‌کم بتوانند برای وی بسیج مردمی را در مناطق سنی ولو به صورت جزئی و غیرمستقیم انجام دهند (Sly, 2015: 24-28).

البته اقدامات فرهنگی برای رشد وهابیت و تندروی سنی از سال ۱۹۹۵ آغاز شده بود. القاعده نتوانست مانع سقوط صدام شود، ولی عملاً با جذب نیروهای عرب از خارج عراق به داخل و همچنین عضوگیری داخلی با تکیه بر شهرت و آوازه خود بعد از ۱۱ سپتامبر به میدان آمد و با شعار جنگ با اشغالگران آمریکایی با ضربه زدن به معادله جدید سیاسی با شیعه‌کشی و تفرقه‌اندازی بین سنی و شیعه به کار خود ادامه داد. ابوبکر البغدادی توانست با چهار ترفند اساسی کلاً القاعده و سایر گروه‌های تندرو را متحد و هم‌پیمان کند: نخست، بومی کردن سران القاعده در عراق؛ دوم، جذب نیروهای نظامی ارتش سابق عراق؛ سوم، جذب نیروهای جوان از داخل و خارج عراق و احیای بدنه پیر و فرسوده القاعده با نیروهای تازه‌نفس و در نهایت، توسعه عملیات تروریستی و عملیات نوعی با برد رسانه‌ای بالا (Hamilton, 2014: 21-26).

البغدادی با این کار عملاً تمام معترضان و نیروهای چریکی مسلح را که هم‌عقیده هم نبودند، در هم ادغام کرد. برای شروع کار نیروهای خود را به سوریه اعزام کرد تا به جنگ سه طرف اصلی منازعه یعنی دولت، معترضان و النصره، نماینده رسمی القاعده، بروند و آنها را از صحنه خارج کنند. این نقطه آغاز سرپیچی از ایمن الظواهری، رهبر القاعده، بود و داعش (الدوله الاسلامیه فی العراق و الشام) به عنوان یک گروه تروریستی بزرگ از القاعده اعلان استقلال کرد و به عنوان خطرناک‌ترین گروه تروریستی جهان متولد شد. داعش هم‌زمان با پیروزی‌هایی در سوریه چندین عملیات نوعی و رسانه‌ای را در عراق اجرا کرد که مهم‌ترین آنها آزادسازی هزاران تروریست خطرناک محکوم به اعدام از زندان‌های عراق بود. همه این زندانیان با تجربه و زبده به داعش پیوستند. داعش بر خلاف القاعده، فقط به عملیات‌های مستقیم قناعت نکرده و به دنبال اشغال سرزمینی و تأسیس دولت خلافت اسلامی، شروع به تثبیت خود در سوریه (الرقه و حسکه) تا نقاط مرزی عراق کرد. الرقه، پایتخت تابستانی هارون الرشید عباسی، از لحاظ تاریخ اسلامی - سنی شهر بسیار مهمی بود که داعش آن را با این درک اشغال و تثبیت کرد. تعداد نیروهای داعش تا قبل از اشغال موصل بیست هزار جنگجو ارزیابی می‌شد که از هشتاد کشور گردهم آمده بودند. با اشغال موصل و طی یک سال گذشته این عدد تا ۱۰۰ هزار



نیرو افزایش یافته که رقم بسیار بزرگی است (Casey & Joshua, 2014: 4-8). از لحاظ اقتصادی نیز داعش به طور کلی پنج محور اساسی را به ظاهر دنبال می‌کند: اول، قاچاق نفت؛ دوم، قاچاق عتیقه‌جات؛ سوم، مالیات از تجار و کسبه؛ چهارم، حمله به بانک‌ها (فقط در موصل داعش با حمله به بانک‌ها بیش از دو میلیارد دلار به دست آورده است) و در نهایت گروگان‌گیری و مطالبه پول از خانواده قربانیان. این منابع کسب درآمد را می‌توان به کمک‌های کشورهای پشت پرده نیز اضافه کرد. داعش عمدتاً با حمله به انبارهای اسلحه دولتی در دو کشور سوریه و عراق، تسلیحات خود را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، سوریه از کشورهای طراز اول تسلیحات در منطقه به حساب می‌آید و در عراق نیز داعش میلیاردها دلار اسلحه از دولت در موصل و غیره به دست آورده است. البته خرید اسلحه از بازار سیاه نیز در کارنامه داعش ثبت شده است (Abuzeid, 2014: 14-19).

در نهایت می‌توان علت قدرت داعش را در چهار نکته اساسی محصور کرد: نخست، شعار و اهداف و عقیده داعش بر اساس خلافت اسلامی و غرب‌ستیزی و شیعه‌ستیزی بنا گذاشته شده است. دوم، وجود تعداد زیادی از نیروهای زبده و آموزش‌دیده نظامی در صفوف داعش؛ سوم، مشی نظامی داعش که با به کارگیری وحشیانه‌ترین روش‌ها (سر بردن، انسان‌سوزی و قطع دست و پا و شکنجه و ویرانی) با القای رعب و وحشت در همه جا سعی می‌کند جنگ را آغاز نکرده، ببرد. چهارم، زبردستی فوق‌العاده داعش در کار رسانه و جنگ روانی و شایعه‌پراکنی (Taylor, 2014: 1-4).

ج) داعش و روابط با قدرت‌های غیر عربی - داعش و آمریکا

درباره رابطه داعش و آمریکا باید گفت این مسئله کمی پیچیده است و نیاز به تفکیک و تحلیل دارد. آمریکایی‌ها همیشه به دنبال زدن چند هدف با یک شلیک هستند و داعش با اینکه خود را دشمن غرب تعریف می‌کند، اهداف زیادی برای آمریکا تأمین می‌کند. آمریکایی‌ها همیشه به دنبال ساخت فرصت یا تبدیل تهدید به فرصت هستند. اداره تناقضات در کشورهای جنوب غرب آسیا همیشه یک اصل در سیاست آمریکا بوده و هست. موارد اهمیت داعش برای آمریکایی‌ها عبارت‌اند از:

۱. اعاده حیثیت آمریکا پس از خروج نیروهای نظامی‌اش از عراق؛ زیرا آمریکایی‌ها قبل از توافق خروج از عراق همیشه به دنبال اقناع عراقی‌ها در ضرورت وجود یک پایگاه نظامی و تعدادی نیرو با مصونیت قانونی در آن بودند که پارلمان به کلی مخالف آن بود و بر اساس توافق امضاشده، تمام نیروها از عراق خارج شدند. ریزش امنیت در عراق در واقع اعاده حیثیتی برای آمریکا یا دقیق‌تر جمهوری‌خواهان مخالف خروج از عراق با اوباما بود.

۲. اداره تنش بین سه عنصر اجتماعی شیعی، سنی و کرد در عراق؛ در صورت وحدت ملی به احتمال بسیار زیاد داعش نه توان اشغال زمین و نه عراق نیاز به کمک آمریکایی‌ها داشت.

۳. فشار بر شیعیان عراق و منطقه و اعاده توازن بین شیعی و سنی در منطقه؛

۴. داعش دلیل خوبی برای بازگشت نظامی آمریکایی‌ها با عنوان مبارزه با تروریسم در منطقه شد.

۵. از بین بردن نیروهای تندرو سنی و شیعه (البته از نظر آمریکایی‌ها) از راه جنگ‌های فرسایشی و کم خرج و کنترل شده که این نظریه در سوریه و عراق از طرف آمریکایی‌ها دنبال می‌شود.

۶. تضعیف کشورهای منطقه و مشغولیت‌زایی برای همه اطراف منازعه؛ زیرا رسیدن داعش به مرزهای ایران، عربستان، ترکیه و اردن تمام این کشورها را نگران و وارد یک چارچوب مضطرب می‌کند.

در کل به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها نه در حال حمایت از داعش، بلکه در حال استفاده از و کنترل این گروهک تروریستی مخوف در جنوب غرب آسیا هستند و برای نابودی آن نیز شتاب به خرج نمی‌دهند. البته نمی‌گذارند از کنترل خارج شود.^۱

- داعش و ترکیه

مسئولان حزب جمهوری خلق ترکیه رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه را متهم کرده‌اند که از نیروهای مسلح داعش در سوریه و عراق حمایت می‌کند. همچنین برخی عناصر داعش از طریق ترکیه به عراق و سوریه می‌روند و دولت این کشور در حال خرید نفت‌های به سرقت‌رفته توسط داعش است. کمال کلیچدار، رئیس حزب جمهوری خلق، در سخنانی بیان داشت گروهی موسوم به داعش از رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر

1 . Foreign Terrorist Organizations, Bureau of Counterterrorism, United States, Department of State, Retrieved 28 July 2014.



ترکیه، سلاح‌هایی را که با کامیون‌های ترکیه‌ای ارسال می‌شوند، دریافت می‌کنند. وی گروهان گرفته شدن افراد کنسولگری ترکیه در موصل را به این نوع رابطه نسبت داد و گفت: راننده‌های کامیونی که از ترکیه با کامیون‌هایشان به موصل آمده بودند و گفته شد به دست داعش به گروهان گرفته شدند، برای افراد داعش سلاح برده بودند. کلیچدار در ادامه گفت: «حکومت اردوغان از جبهه النصره حمایت و سلاح و مهمات آنها را تأمین می‌کند و تا چندی پیش به حمایت خود از آنها ادامه می‌داد تا اینکه ناگهان اعلام کرد این گروه، تروریستی است». وی این اتهامات را متوجه وزیر امور خارجه دولت اردوغان، داوود اوغلو، نیز کرد و خواستار استعفای او از سمتش شد. همچنین ترکیه در این زمینه متهم است افراد مسلحی که از اروپا و روسیه و کشورهای آسیایی و چین و سایر کشورها به سوریه و عراق می‌روند، از طریق این کشور وارد عراق و سوریه می‌شوند. هزار ترکیه‌ای مأموریت دارند به این افراد مسلح کمک کنند تا به سوریه و عراق بروند و به جمع گروه‌های تروریستی بپیوندند. در واقع از سه سال پیش تا کنون عناصر مسلح از طریق ترکیه به سوریه اعزام می‌شوند و در فرودگاه‌های شهرهای مختلف این موضوع به روشنی دیده می‌شود (Kaplan, 2014: 5-14).

نماینده حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه تأکید کرد مبارزان چچنی از چین به استانبول می‌آیند و از آنجا به استان اسکندرون می‌روند و با همان هواپیما عازم سوریه می‌شوند. محمد علی ادیب اوغلو، نماینده‌ای دیگر از حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه نیز گفت: «شبکه داعش روابط بسیار نزدیکی با دولت ترکیه دارد؛ از جمله اینکه نفت‌هایی را که از سوریه به سرقت می‌رود، از آنها می‌خرد. داعش لوله‌های نفت سری را به اسکندرون، غازی عنتاب و اورفا و شهر کیلیس کشیده است و نفت به دولت اردوغان می‌فروشد که سودی بالغ بر ۸۰۰ میلیون دلار نصیب آن می‌کند». وی در ادامه افزود: «افراد مسلحی که از اروپا و روسیه و کشورهای آسیایی و چین و سایر کشورها به سوریه و عراق می‌روند از طریق ترکیه وارد این کشورها می‌شوند. هزار ترکیه‌ای مأموریت دارند به این افراد مسلح کمک کنند تا به سوریه و عراق بروند و به جمع گروه‌های تروریستی بپیوندند». وی تأکید کرد محال است کار انتقال آنها به سوریه بدون اطلاع سازمان امنیت ترکیه باشد (Tattersall & Karouny, 2014: 1-4).

– داعش و رژیم صهیونیستی

یوزی دایان، رئیس سابق شورای امنیت ملی رژیم صهیونیستی، در مقاله‌ای با عنوان «اسرائیل هیوم» نوشته است رویکرد رژیم اشغالگر قدس باید بر پایه دو اصل استوار شود: خود را براساس سطح توانمندی‌های دشمن و نه قصد و اهدافش تجهیز کند. دوم، مجدانه تلاش کند تا همواره از گنج‌های استراتژیک خود از جمله داشتن مرزهای امن محافظت کند. مأموریت این محافظت ظاهراً در منطقه جولان سوریه تا صحرای سینا در مصر به عهده گروه داعش قرار گرفته است؛ در حالی که در منطقه شمال عراق هم شاهد آن هستیم. با وجود آنکه داعشی‌ها تا نزدیکی مرز منطقه خودمختار کردستان هم پیش رفتند و به اشغال منطقه سنجان پرداختند، هرگز تلاشی برای حمله به نقاط دیگر از خود نشان ندادند؛ در حالی که منطقه‌ای مانند تکریت یا شهرهای بسیار کوچک در الرمادی بارها بین ارتش عراق و گروه داعش دست به دست شده است و داعش با وجود شکست‌های مکرر باز هم به این مناطق حمله کرده و حتی برای چند ساعت هم شده این شهرها را به اشغال خود در آورده است. یک افسر بلندپایه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی فاش کرد پیروزی‌های داعش در عراق حاصل همکاری مستقیم و سطح بالای ریاض و تل‌آویو است. همچنین به نوشته روزنامه کویتی‌السیاسیه، آنچه داعش هم اکنون در کشورهای هدف خود انجام می‌دهد، دقیقاً همان برنامه‌هایی است که رژیم اشغالگر قدس طی چند ده سال به دنبال تحقق آن بود تا ادامه بقای خود را به عنوان یک دولت توجیه کند. براساس اطلاعاتی که این روزنامه کویتی منتشر کرد، اکنون برخی کشورهای عربی همراه رژیم مذکور تمام تلاش خود را برای جلوگیری از محاصره و شکست این گروه به کار بسته‌اند و با تزریق کمک‌های مالی و فراهم کردن تریبون رسانه‌ای برای این گروه به دنبال بسط افکار افراطی و انحرافی آنها هستند. واقعیت نیز حاکی است اقدامات و عملیات داعش علیه فاکتورهای اصلی تشکیل‌دهنده جوامع منطقه زمانی انجام می‌شود که صهیونیست‌ها خود را برای اعلام اسرائیل به عنوان دولت خالص یهودی آماده کنند و برنامه اخراج پیروان بقیه ادیان را از این سرزمین در دستور کار خود قرار داده‌اند. سردبیر روزنامه‌السیاسیه در پایان به کشورهای عربی هشدار می‌دهد با حمایت خود از داعش به ابزاری در دست رژیم صهیونیستی تبدیل نشوند. همچنین نباید فراموش کرد عملیات تروریستی به‌وقوع پیوسته در عراق، سوریه، مصر و چندین و چند کشور عربی دیگر باعث شد نگاه‌ها از برنامه‌ها و نقشه‌های رژیم صهیونیستی در منطقه به سوی گروه‌های تروریست سلفی و در رأس آنها داعش



معطوف شود. یک پایگاه اینترنتی مصری روز ۱۳ جولای ۲۰۱۴ هم‌زمان با سقوط موصل به دست داعش و انتشار اخباری مبنی بر پیشروی این گروه به سوی بغداد، در گزارشی تحلیلی خبر داد بیشترین توجه و استقبال از این پیشروی‌ها از سوی کابینه رژیم صهیونیستی بوده است. مروه محمد، نویسنده این گزارش، با اشاره به کمک‌های پنهان و آشکار رژیم صهیونیستی به داعش تأکید می‌کند یکی از اهداف بلندمدت رژیم صهیونیستی فرسوده کردن ارتش‌های منطقه از جمله ارتش مصر است تا کشوری همچون مصر روی آرامش و ثبات را نبیند و این مسئله دقیقاً با اهداف اعلام‌شده داعش درباره انتقال بخشی از عملیات خود به داخل سینا کاملاً همخوانی و مطابقت دارد. وی همچنین به نقل از گزارش کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان عراق نوشت: از میان سلاح‌های به غنیمت گرفته‌شده از جنگجویان داعش مقادیر زیادی تسلیحات صهیونیستی به چشم می‌خورد که بیانگر نقش انکارناشدنی رژیم اشغالگر قدس در حمایت از تروریسم به ویژه داعش است. گفته می‌شود طی چند سال گذشته رسانه‌های دولتی سوریه و بی‌طرف‌ها تصاویری از تسلیحات ساخت رژیم اشغالگر قدس را که از جنگجویان مخالف فعال در این کشور به غنیمت گرفته شده است، پخش کرده‌اند. قاسم الاعرجی، عضو پارلمان عراق، هم در مصاحبه‌ای که در ژوئیه گذشته انجام گرفت، تأکید کرد: گروه داعش از تسلیحات ساخت صهیونیستی برای جنگ با نظامیان عراقی استفاده می‌کند. این تسلیحات از طریق خاک سوریه به داخل عراق منتقل می‌شود و در اختیار جنگجویان داعش قرار می‌گیرد. وی تصریح کرد رژیم صهیونیستی و گروه داعش همکاری تنگاتنگی با یکدیگر داشته و رسانه‌های رژیم صهیونیستی از معالجه دست‌کم ۷۰۰ جنگجوی مجروح داعش در بیمارستان‌های اسرائیلی سخن می‌گویند. یکی دیگر از دستاوردهای صهیونیستی از جنایات داعش ابقای تسلط خود بر مناطقی مانند دره اردن است. به هر شکل صرف تهدید اردن توسط داعش می‌تواند بهانه خوبی برای ارتش رژیم صهیونیستی برای ادامه بقا و ابقای اشغال این منطقه محسوب شود. همچنین کشتارهای انجام‌گرفته به دست داعش بهانه خوبی برای سرپوش نهادن و حتی توجیه کشتارهای رژیم صهیونیستی است. افيخای ادرعی، سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی، با انتشار نموداری از آمار مسلمانان کشته‌شده در مناطق مختلف جهان اسلام ادعا کرد بیشتر این مسلمانان به دست خود مسلمانان از پای در آمده‌اند و سهم اسرائیل از این کشتارها چند درصد بیشتر نیست؛ در حالی که همگان تل‌آویو را به قتل‌عام مسلمانان متهم می‌کنند. این

دستاورد داعش برای رژیم صهیونیستی توجه برخی تحلیلگران عرب را هم جلب کرده است. انطوان الحایک در تحلیلی در این باره در یک پایگاه اینترنتی لبنانی می‌نویسد: امروز هرج و مرج سازنده‌ای تمامی کشورهای اطراف فلسطین اشغالی را دربر گرفته است که معادلات قدرت حاکم بر این منطقه را تا حد زیادی دچار تغییر می‌کند. امروز داعش موفق شده است شرایط جنگ اسلامی-اسلامی لجام‌گسیخته و کنترل‌ناپذیری را بر مساحت وسیعی از جهان عرب و اسلام حاکم کند. کشورهای هدف این گروه امروز نه تنها در معرض جنگ نظامی سختی هستند، بلکه شاهد جنگ‌های اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی هم در این کشورها هستیم؛ به ویژه که بعد از شکست روند سازش امروز شاهد شکل‌گیری ساختاری مبتنی بر اصل تحقق همکاری در چارچوب منافع حیاتی متقابل به جای اصل زمین در برابر صلح و حتی صلح در برابر صلح هستیم. از سوی دیگر، در پی درخواست برخی جنگجویان داعش و نیز پرسش برخی فعالان در فضای مجازی درباره چرایی رویاروی نشدن داعش با رژیم صهیونیستی، این گروه سلفی در بیانیه‌ای که در شبکه‌های مجازی از جمله توئیتر و فیس‌بوک قرار داد، مدعی شد با استناد به نص صریح قرآن کریم، جنگ با دشمن نزدیک‌تر را در اولویت قرار می‌دهد؛ از این رو از بین بردن رافضه (شیعیان) بر آزادی قدس ارجحیت دارد. این سخن ما را به یاد گفتمان اوایل انقلاب برخی کشورهای عربی به ویژه رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی ایران می‌اندازد، وقتی برای مقابله با شکل‌گیری حکومت اسلامی در ایران شورای همکاری خلیج فارس تشکیل دادند، در حالی که چند دهه از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی می‌گذشت اما آنها چنین واکنشی نسبت به آن نداشتند.^۱

نتیجه‌گیری

در نوشتار کنونی، مساعی نویسندگان روی این موضوع بود که شکل‌گیری داعش بر اساس کدام گفتمان بوده است؟ در ادامه سیاست‌های بحران‌زایی و تروریستی این گروهک تکفیری در کشورهای عراق و سوریه و خاورمیانه چگونه و بر اساس چه مبانی طراحی و اجرا می‌شود؟ از آنجا که می‌توان شکل‌گیری بحران داعش را با تئوری‌های متعددی تفسیر و تبیین کرد، این مقاله با محوریت قرار دادن تئوری بحران توماس اسپرینگز و تلفیق آن با نظریه بسیج منابع چارلز تیلی اقدام به تبیین شکل‌گیری

۱. «روابط بین داعش و رژیم صهیونیستی چگونه است؟»، قابل دسترسی در:



و گفتمان بحران‌سازی داعش کرده است و با استفاده از چهار مرحله بحران‌سازی اسپرینگز، شکل‌گیری داعش و با استفاده از بسیج منابع چارلز تیلی، بحران‌سازی‌های این گروهک تروریستی- تکفیری را تشریح کرده است.

سلفیه جریان‌ی نو ظهور نیست و قرن‌ها پیش از شکل‌گیری جریان وهابیت، ابن تیمیه پایه‌های تفکر سلفی را پی‌ریزی کرد. ریشه این تفکر در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم میلادی در جریان ایجاد و ساخت تهدیدهای هویتی غیرواقعی، آبیاری شده و مجدداً از دل جریان‌های سیاسی معاصر خاورمیانه، جریان‌ی همچون داعش سر آورده است. در ذهن آنها برساخته‌ای از شیعه به مثابه تهدیدی خطرناک وجود دارد. سران داعش، تشکیل این گروهک تکفیری - تروریستی را نتیجه مواردی مانند فقدان رهبری واحد در جهان اسلام (نظریه خلافت)، اعمال نشدن شریعت و قوانین اسلام به طرز صحیح و کامل، ضعف ساختاری در جهان اسلام و... می‌دانند و مواردی مثل تروریسم، توحش و تبلیغات گسترده مهم‌ترین ابزارهای داعش برای تحقق این امر است. از سوی دیگر، قدرت روزافزون شیعیان در منطقه زنگ خطر مهمی برای داعش و هم‌پیمانان منطقه‌ای همچون رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی است که خود عامل مهمی در تشکیل داعش بوده است. از سوی دیگر، پس از تشکیل داعش، مفهوم بسیج منابع و ایجاد چالش میان حکومت‌گران و چالشگران حکومت مطرح می‌شود. داعش به عنوان چالشگر حکومت، بر اساس نظریه تیلی، از منابع مختلفی برای بحران‌سازی در کشورهای عراق و سوریه بهره برده است؛ از جمله حمایت‌های بی‌شائبه قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، قطر، عربستان سعودی، منابع وسیع اقتصادی منطقه، استفاده از تسلیحات سنگین و نیمه سنگین و... در هر صورت داعش را می‌توان فرزند نامشروع ائتلاف منطقه‌ای به سرکردگی قدرت‌های یادشده، ترس از قدرت روزافزون شیعیان و در نهایت تشتت و عدم اتفاق در کشورهای هم‌چون عراق و سوریه دانست.



منابع فارسی

- اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰)، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات آگاه.

منابع لاتین

-AbuTaher (2014), “Our Faith Condone Rape Underage Slaves: ISIS Publishes Shocking Guidebook Telling Fighters How to Buy, Sell and Abuse Captured Women”, *Daily Mail*, 13 December.

-Abouzeid, Rania (2014), “Syria’s Uprising within an Uprising”, *European Council on Foreign Relations*, Archived from the Original on 16 January.

-Arango, Tim (2014), “Top Qaeda Leaders in Iraq Reported Killed in Raid”, *The New York Times*, 22 August.

-Berger, J. M. (2014), “How ISIS Games Twitter”, *The Atlantic Magazine*, 19 June.

-Black, Ian (2014), “Saudi Arabia Rejects Iraqi Accusations of Isis Support”, *The Guardian*, 19 June.

-Bronstein, Scott. Drew Griffin (2014), “Self-funded and Deep-rooted: How ISIS Makes Its Millions”, CNN, 7 October.

-Burke, Jason (2015), “Islamist Fighters Drawn from Half the World’s Countries”, Says UN, *The Guardian*, 26 May.

-Burns, Robert (2014), “Strikes in Iraq, Syria Expected under New War Plan”, Associated Press, Archived from the Original on 15 September.

-Carey, Glen, Mahmoud Haboush, Gregory Viscusi (2014), “Financing Jihad: Why ISIS Is a Lot Richer Than Al-Qaeda”, *Bloomberg News*, 26 June.

-Casey, Mary, Haber Joshua (2014), “Rebel Factions Continue Fight Against ISIL in Northern Syria”, *Foreign Policy*, 7 January.

-Cave, Damien (2012), “Syrian War Plays out along a Street in Lebanon”, *the New York Times*, 24 August.

-Chulov, Martin (2014), “How an Arrest in Iraq Revealed Isis’s \$2bn Jihadist Network”, *The Guardian*, 15 July.



- Dabiq (2014), “What Islamic State’s New Magazine Tells Us about Their Strategic Direction”, Recruitment Patterns and Guerrilla Doctrine, The Jamestown Foundation, 1 August.
- Dean, Sarah (2014), “PM Tony Abbott Warns Australians of Threats from Indonesian Jemaah Islamiyah Group”, *Daily Mail*, 21 August.
- Doug, Stanglin (2014), “As Summit Strategizes on ISIL, French Jets fly over Iraq”, *USA Today*, 15 September.
- Gates, Robert M. (2014), “Duty: Memoirs of a Secretary at War”, *New York*, Alfred A. Knopf.
- Fisher, Max (2014), “How ISIS is Exploiting the Economics of Syria’s Civil War”, *Vox*, 12 June.
- Hamilton, Eric (2014), “Backgrounder, and Developments Fighting Al-Qaeda in Iraq”, *ISW*, and January 2014, available: online at <http://www.understandingwar.org>.
- Hassan, Steven (2014),” ISIS Is a Cult That Uses Terrorism: A Fresh New Strategy”, *the World Post, and The Huffington Post.com*.
- Kaplan, Hilal (2014), “Charging Turkey for ISIS”, *Daily Sabah*, 28 September.
- Kozak, Christopher (2015),”The Regime’s Military Capabilities: Part 1”, *ISW*, 31 May.
- Machaidze, Rusiko (2015), “Four People Detained in Georgia for links to ISIS”, *Democracy & Freedom Watch*, 16 June.
- Matthews, Dylan (2014),”The Surreal Infographics ISIS is Producing”, Translated, *Vox*, 24 July.
- McCoy, Terrence (12 June 2014), “ISIS just Stole \$425 Million”, Iraqi Governor Says, and Became the ‘World’s Richest Terrorist Group”, *The Washington Post*, 12 June.
- Meg Wagner and Corky Siemaszko, Kayla Jean Mueller (2015), “American Aid Worker Held Hostage, May Have been Forced to Marry ISIS leader: Report”, *Daily News/location, New York*, 10 February.
- Muir, Jim (2012), “Syria Crisis: Gulf States Recognize Syria Opposition”, BBC, 12 November.

- Nour Malas (2014), “Ancient Prophecies Motivate Islamic State Militants: Battlefield Strategies Driven by 1,400-Year-Old Apocalyptic Ideas”, *The Wall Street Journal*, 18 November.
- Peritz, Aki (2015), “How Iraq Subsidizes Islamic State”, *The New York Times*, 4 February .
- Prusher, Ilene (2014),”What the ISIS Flag Says About the Militant Group”, *Time*, 9 September.
- Rogin, Josh (2014), “America’s Allies Are Funding ISIS”, *The Daily Beast*, 14 June.
- Ricks, Thomas, Karen DeYoung (2015),” Al-Qaeda in Iraq Reported Crippled”, *the Washington Post*, 15 February.
- Shadid, Anthony (2015), “Iraqi Insurgent Group Names New Leaders”, *the New York Times*, 16 May.
- Sly, Liz (2015), “How Saddam Hussein’s Former Military Officers and Spies are Controlling Isis”, Independent, United Kingdom, 5 April.
- Starr, Barbara (2015),” Abu Sayyaf, Key ISIS Figure in Syria, Killed in U.S. Raid”, CNN, 16 May.
- Sullivan, Kevin (2014),” Three American Teens, Recruited Online, Are Caught Trying to Join the Islamic State”, *The Washington Post*, 8 December.
- *The Wall Street Journal* (2011), “Syrian Protests Add to Pressure on Assad Regime” , 23 March.
- Taylor, Adam (2014), “The Rules in ISIS’ New State: Amputations for Stealing and Women to Stay Indoors”, *The Washington Post*, 12 June.
- Tilly, Charles (1981), “As Sociology Meets History”, *New York*, Academic Press.
- Tattersall, Nick and Mariam Karouny (2014), “Turkey’s ‘Open Border’ Policy with Syria Has Backfired as ISIS Recruitment Continues”, *Business Insider*, 26 August.
- Walsh, David (2013), “Syrian Alliance Strategy in the Post-Cold War Era: The Impact of Unipolarity”, Vol. 37, No. 2, Summer 2013, London: University Press.



-Winterton, Clare (2014), “Why We Must Act When Women in Iraq Document Rape”, *the Huffington Post*, 25 June.

- Withnall, Adam (2014), “Isis Releases ‘Abhorrent’ Sex Slaves Pamphlet with 27 Tips for Militants on Taking”, Punishing and Raping Female Captives, *The Independent*, 10 December .

-Witular, Rendi A. (2014), “Sons, Top Aides Abandon Ba’asyir over ISIL”, form New Jihadist Group, *The Jakarta Post*, 13 August.

-Wood, Graeme (2015), “What ISIS Really Wants, The Islamic State is no Mere Collection of Psychopaths”, *Atlantic press*.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی